

خلافت عثمان بن عفان

هنگامی که عمر بن خطاب (دومین خلیفه مسلمین) بدست «فیروز ابولؤلؤ» در مدینه زخمی گردید و به مرگ خود اطمینان پیدا کرد، عبدالرحمن بن عوف (یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) را فراخواند ...



تشکیل شورای 6 نفره

هنگامی که عمر بن خطاب (دومین خلیفه مسلمین) بدست «فیروز ابولؤلؤ» در مدینه زخمی گردید و به مرگ خود اطمینان پیدا کرد، عبدالرحمن بن عوف (یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) را فراخواند و نخست به وی پیشنهاد نمود که جانشینی وی را بپذیرد. اما عبدالرحمان آن را فراتر از توانایی خویش دید و از پذیرفتن مسئولیت سنگین آن، خودداری کرد. آنگاه عمر بن خطاب به وی دستور داد تا پنج تن از بزرگان صحابه را گرد آورد و با خود، یک شورای شش نفری تشکیل دهد و از میان آنان، یک نفر به عنوان خلیفه مسلمانان برگزیده شده و سایرین با او بیعت نمایند.

اعضای شورای 6 نفره

اعضای شورا عبارت بودند از: عبدالرحمن بن عوف، امام علی بن ابی طالب علیه السلام، عثمان بن عفان، زبیر بن عوام، طلحة بن عبیدالله و سعد بن ابی وقاص. همچنین عمر بن خطاب دستور داد فرزندش عبدالله و دو شخصیت منتسب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی امام حسن مجتبی علیه السلام و عبدالله بن عباس، بدون این که حق رای داشته باشند به عنوان ناظر در جلسه حضور داشته باشند. [۱]

چگونگی انتخاب خلیفه

عمر بن خطاب به اعضای شورا، سه روز فرصت داد تا با بررسی جهات و جوانب حکومت و اوصاف و شایستگی های افراد، یک تن را برگزینند. وی، «ابی طلحه انصاری» را با 50 نفر نیروی مسلح، مأمور تشکیل جلسه و توافق نهایی اعضا و اجرای مصوبات آن نمود. او به ابی طلحه دستور داد که آرای اقل باید تابع آرای اکثر باشد و اگر طرفین، مساوی (سه به سه) شدند، ترجیح با طرفی است که عبدالرحمن بن عوف در آن باشد. هر که با تصمیمات آن مخالفت ورزد، با شمشیر سرش را از بدن جدا کند.

آنچه در شوری گذشت

جلسه اعضای شورا آغاز گردید و به بحث و تبادل نظر پرداختند. آنان سه روز را در اتاقی در بسته گفتگو کردند و سرانجام، سه تن از آنان، رای خود را به دو نفر واگذار کردند و به این صورت که زبیر بن عوام، رای خود را به امام علی بن ابی طالب علیه السلام واگذار کرد و عبدالرحمان بن عوف و سعد بن ابی وقاص، هم به علی علیه السلام و هم به عثمان بن عفان راضی بودند. طلحة بن عبیدالله در آن هنگام که در سفر بود، نتوانست در جلسه شورا حاضر گردد. وی پس از بیعت با عثمان از سفر برگشت و به این امر رضایت داد.

به هر حال، دو نفر از میان اعضای شورا، نامزد خلافت شدند. یعنی حضرت علی علیه السلام و عثمان بن عفان. سه روز به پایان رسید و همه چشم انتظار معرفی خلیفه تازه بودند. عبدالرحمن در این هنگام، غیر از گفتگوهای فردی و جلسه ای با امام علی علیه السلام و عثمان بن عفان، با برخی از بزرگان صحابه نیز مشورت هایی می کرد و نظرات آنان را جویا می شد.

عبدالرحمن به پیروی از عمر بن خطاب، تمایل باطنی به خلافت امام علی علیه السلام نداشت و انتخاب آن حضرت برای عضویت در شورا را، تنها برای مشروعیت بخشیدن ظاهری کار انتقال خلافت می دانست و در حقیقت، نیت آنان انتخاب عثمان بن عفان بود. عبدالرحمن به دنبال گریزگاهی می گشت که عثمان را به تخت خلافت بنشانند ولی با هر کسی گفتگو می کرد، آنان علی بن ابی طالب علیه السلام را بخاطر کمالات نفسانی، سبقت در اسلام و خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بر عثمان ترجیح می دادند.

شاید منظور عبدالرحمن در گفتگو با بزرگان صحابه، راضی کردن آنان به خلافت عثمان بود و از این راه، زمینه را برای پذیرش عمومی فراهم می کرد.

روز چهارم فرارسید و مسلمانان در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم گرد آمده تا به خلیفه سوم بیعت کنند. عبدالرحمن، در آغاز از تشکیل جلسه شورا و روند آن گزارشی داد و نهایی شدن نامزدی حضرت علی علیه السلام و عثمان بن عفان را اعلان کرد.

آنگاه از مردم، درباره انتخاب یکی از این دو نظرخواهی کرد. مردم دو دسته شدند. تعدادی از صحابه و یاران نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به علی علیه السلام و تعدادی دیگر به عثمان رای دادند و در نتیجه، پراکندگی آرا و دودستگی به وجود آمد.

عبدالرحمن برای پایان کار، نخست حضرت علی علیه السلام را به پیش فراخواند و به وی گفت: ای ابوالحسن علیه السلام آیا با خدا پیمان می بندی که به کتاب الله، سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سیره دو خلیفه پیشین عمل نمایی؟

حضرت علی علیه السلام بدون هیچ گونه ظاهرسازی و با طمانینه کامل فرمود: پیمان می بندم که به کتاب خدا و سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به علم خود عمل کنم.

سپس عبدالرحمن به عثمان، گفت: ای عثمان، آیا با خدا پیمان می بندی که به کتابش و سنت پیامبرش و سیره دو خلیفه پیشین عمل کنی؟ عثمان، بدون هیچ گونه تاملی گفت: می پذیرم. من پیمان می بندم که به کتاب خدا، سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سیره شیخین عمل کنم!

عبدالرحمن که خود سازنده این صحنه نمایش بود، دست روی دست خود زد و گفت: تمام شد. سپس با عثمان بیعت کرد و مردم نیز با عثمان بیعت کردند. طلحة بن عبیدالله که پس از این ماجرا به مدینه برگشته بود، چون دید همگان با عثمان بیعت کردند، او نیز به ناچار با وی بیعت کرد.

لازم به یادآوری است که کشته شدن عمر بن خطاب، سه روز مانده به آخر ذی الحجه سال 23 هجری واقع شد و انتخاب عثمان به خلافت، در چهارمین روز درگذشت عمر که مصادف با روز یکشنبه، اول ماه محرم سال 24 هجری قمری بود، به وقوع پیوست.[۲]

اما جلال الدین سیوطی در تاریخ الخلفاء گفته است: عمر بن خطاب در روز چهارشنبه، چهار روز باقی مانده به آخر ذی الحجه زخمی گردید و در روز یکشنبه اول ماه محرم، دفن شد. آنگاه در صفحات دیگر گفت: انتخاب عثمان بن عفان، سه روز پس از دفن عمر بن خطاب واقع گردید.[۳]

پی نوشت ها:

1. تحلیلی از زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام، ص 126.
2. نک: تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 554؛ تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 162 و معالم المدرستین، ج 1، ص 171.
3. پرش به بالا؛ تاریخ الخلفاء، ص 151 و 171.

منبع: روز شمار تاریخ اسلام، سید تقی واردی، جلد اول، ماه محرم